



اصلی فوتبال فرعی سینما



عزیز اصلی در نمایی از فیلم «پلی به سوی بهشت»



تیتراژ فیلم «بی‌عشق هرگز»

در پی ۱۷ بهمن ۱۳۴۸ دست‌کمی از یک فیلم سینمایی جذاب و دراماتیک نداشت؛ کورس محمود خوردبین، بازیکن جوان پرسپولیس با کاپیتان پرویز قلیچ‌خانی پرآوازه، در دقیقه ۸۲ بازی با موفقیت اولی به پایان رسید و او دروازه حسین قاضی‌شعار را باز کرد، اما مثل اینکه قرار نبود تک‌گل تاجی‌ها که غلامحسین مظلومی آن را در دقیقه ۹ زده بود، جریان شود. بازی وقتی سینمایی‌تر می‌شود که ابوالقاسم حاج ابوالحسن، داور میدان، گل خوردبین را خطا می‌داند و مردود اعلام می‌کند. عزیز اصلی، نقش اصلی این بازی و دروازه‌بان کاریزماتیک پرسپولیس که تنها ستاره آن پرسپولیس بی‌ستاره بود، از آن سمت زمین، خودش را برای شادی گل به هم‌تیمی‌هایش می‌رساند که با رأی ناخوشایند داور روبه‌رو می‌شود. کمی مشاجره لفظی و خط و نشان کشیدن‌ها افاقه نمی‌کند و اصلی، یک سیلی تاریخی و سرنوشت‌ساز را توی گوش حاج ابوالحسن می‌خواباند. فدراسیون فوتبال، نتیجه بازی را سه بر صفر به نفع تاج اعلام می‌کند، اما این اعلام رأی، خدشه‌ای به کیفیت این بازی دراماتیک و پرسونای تماشایی اصلی وارد نمی‌کند و از شمایل قهرمانی‌اش نزد طرفداران ارتش سرخ نمی‌کاهد، هرچند سینما و بویژه ساموئل خاچیکیان که او را به سینما دعوت کرد، انگار بیشتر نگاهی تاجی داشتند که «عزیز فنر» یا «پیراهن بنفش» را بیشتر در هیبت یک بدمن و ضدقهرمان می‌دیدند.

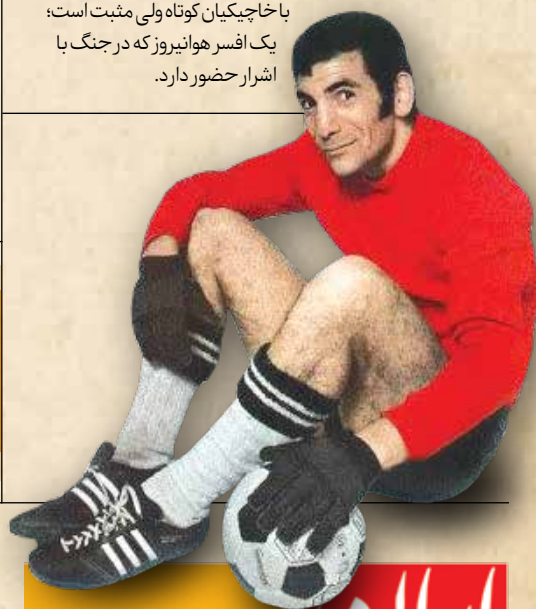
**سینما اگرچه حرمت دروازه‌بان
مشهور فوتبال ایران را
با «و» نگه می‌داشت
اما هیچ‌وقت نقشی شایسته
به او نداد**

<p>۱. بی‌عشق هرگز/ ۱۳۴۵ صفر به روایت شاملو</p> <p>این اولین حضور سینمایی اصلی، تیتراژ جالبی دارد. میان مچ‌انداختن‌های بوتیمار که حریفان را یکی یکی از میان برمی‌دارد، زنی هم به سبک و سیاق قبایل آفریقایی، با حرکات موزون، شلنگ‌تخته می‌اندازد. اسم عزیز اصلی در میان لحظاتی از این دلبری کردن‌ها همراه حلقه‌های المپیک روی تصویر نقش می‌بندد. اصلی در این فیلم، نقش بدمنی به نام صفر را بازی می‌کند و با ژست‌ها و میمیک اغراق شده‌اش، می‌خواهد بدجنس‌تر به نظر برسد. دیالوگ‌هایی هم که احمد شاملو برای اصلی نوشته، صرفاً به اغراق موجود دامن می‌زند و در اولین گام بازیگری، تصویر چندان جذابی از او ارائه نمی‌دهد.</p>	<p>۳. مأمور دوجانبه/ ۱۳۴۵ رودست خوردن از ایرج قادری</p> <p>در تیتراژ این فیلم به کارگردانی مهدی میرصمدزاده هم می‌نویسند: «و عزیز اصلی». اینجا هم اصلی، نقش منفی است و در قالب رهبر گروهی خلافکار ظاهر می‌شود که از ایرج قادری رودست می‌خورد.</p>	<p>۲. خدا حافظ تهران/ ۱۳۴۵ جنگ با اشار</p> <p>بعد از ظاهر شدن اسم بهروز وثوقی و پوری بنایی در دو قاب عینک دودی و نوشته شدن اسم بازیگران دیگر، اسم عزیز اصلی را با «و» در تیتراژ می‌نویسند: «و عزیز اصلی». نقش او البته در این همکاری دیگر با خاچیکیان کوتاه ولی مثبت است؛ یک افسر هوانبروز که در جنگ با اشار حضور دارد.</p>
<p>۵. تونل/ ۱۳۴۷ راننده جاده چالوس</p> <p>در تیتراژ این فیلم دیگر خبری از «و» هم نیست و عزیز اصلی، پنجمین بازیگری است که اسمش را می‌نویسند. اینجا هم رل او منفی است؛ یک راننده شروشر تهران-چالوس.</p>	<p>۴. کشتی نوح/ ۱۳۴۷ وقتی اصلی پرتاب می‌شود!</p> <p>تیتراژ فیلم «کشتی نوح» رنگ نوشته‌های تیتراژ این فیلم ماجراجویانه به کارگردانی خسرو پرویزی، بنفش است و بویژه وقتی نوشته می‌شود: «و عزیز اصلی»، انگار ادای دینی به رنگ پیراهن بنفش و مشهور او در دوران دروازه‌بانی است. اصلی اینجا هم در نقش منفی ظاهر می‌شود؛ بدمنی به نام جاسم که با قهرمان فیلم با بازی ایلوش خوشایه درمی‌افتد. در صحنه‌ای ایلوش، اصلی را روی دست بلند و به سمت جاشوها پرت می‌کند!</p>	<p>۶. پنجه آهنین/ ۱۳۴۷ شلیک به بیک</p> <p>در تیتراژ این ساخته مهدی میرصمدزاده هم سروکله و او احترام پیدا نیست. مهم‌ترین لحظه بازی او، مشارکت در قتل همسر قهرمان فیلم و شلیک به بیک ایمانوردی است؛ زوم دوربین روی صورت ترسان اصلی، به یاد می‌ماند.</p>
<p>۸. فاتحین صحرا/ ۱۳۵۰ اولین فیلم راد آخرین فیلم اصلی</p> <p>محمد (تونی) زرین دست که هم تیتراژ فارسی و هم انگلیسی برای این فیلم تدارک دیده بود، به شکل عجیبی اسم عزیز اصلی را در قسمت «و با معرفی» و در کنار نام‌های دیگری چون دنی بنیادی و وجستا و سعید راد می‌آورد. این معرفی درباره راد که اولین فیلمش بود، درست است اما درباره اصلی که این آخرین فیلمش در دنیای بازیگری بود، منطبق ندارد. اصلی اگرچه بیشتر با نقش‌های منفی شناخته می‌شد، اما وداعش با سینما در نقش مثبت یک درجه‌دار ارتش تحت فرماندهی بیک ایمانوردی بود.</p>	<p>۷. پلی به سوی بهشت/ ۱۳۴۷ اون چار تا برادر</p> <p>تیتراژ این فیلم به صورت ناقص موجود است و نمی‌دانیم اسم اصلی را چطور نوشتند. او در این فیلم نقشی انسانی‌تر از دیگر فیلم‌هایش دارد و با سه برادر دیگرش می‌گوید و می‌خندد.</p>	<p>۹. پل به سوی بهشت/ ۱۳۴۷ اون چار تا برادر</p> <p>عزیز اصلی اگرچه در زمین فوتبال و به عنوان دروازه‌بان، به مراتب جذاب‌تر و تماشایی‌تر بود و در سینما هرگز نقشی به اندازه نام و آوازه‌اش بازی نکرد و در همین چند فرصت هم از چند ژست و ادا فراتر نرفت، اما باز دم سینما گرم که همین هشت یادگاری تصویری را از او ثبت کرد. بازیگری که شباهت‌هایی هم با جک پالانس داشت که از قضا او هم بیشتر با نقش‌های منفی شناخته می‌شد.</p>



راستی عزیز اصلی، شبیه جک پالانس نیست؟

**و سر آخر
این‌که**



ایران جمعه